

سالروز شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی



آیت‌الله عطاءالله اشرفی اصفهانی، سال ۱۲۸۱ هجری شمسی در خمینی‌شهر اصفهان متولد شد. تحصیلات ابتدایی مقدماتی را در خمینی‌شهر گذراند و در سن ۱۲ سالگی برای ادامه تحصیل راهی اصفهان شد. طی حدود ۱۰ سال از محضر علمایی چون آیت‌الله سیدمهدی درچه‌ای، آیت‌الله سیدمحمد نجف‌آبادی، مرحوم فشارکی و مرحوم مدرس استفاده کرد.

به گزارش ایسنا، وی دوران طلبگی خود را با نهایت عسرت و مشقت اقتصادی گذراند و در مدتی که در حوزه اصفهان بودند هر هفته فاصله میان اصفهان تا خمینی شهر را که ۱۲ کیلومتر بود، طی می‌کرد.

ایشان در توصیف شرایط تحصیلاتش در اصفهان می‌گوید: بر زمانی در حجره‌ای با سه نفر دیگر در مدرسه نوریه اصفهان زندگی می‌کردیم. بسیاری از روزها نه چای داشتیم نه نفت و نه قند. برای مطالعه در شب از نور چراغ نفتی توالت‌های مدرسه استفاده می‌کردم. در روزهای جمعه به یکی از مساجد دور افتاده اصفهان می‌رفتم و از صبح تا عصر در آن مسجد درس‌های یک هفته را دوره می‌کردم. در مدت دوازده ساعتی که آنجا مطالعه می‌کردم، غذای من فقط مقداری دانه ذرت برشته بود.

در سال ۱۳۰۲ و در سن ۲۰ سالگی جهت ادامه تحصیل و نیل به مقامات عالیه و دینی رهسپار حوزه علمیه قم شد. در تمام طول مدت ۲۳ سال اقامت در قم، ایشان تنها سه یا چهار ماه با خانواده خود بودند و بقیه این سالها را تنها مجرد سپری کردند.

با همه مشکلات و مسائل آن زمان، در تحصیل علوم اسلامی و دینی جدیت به خرج می‌داد. پس از اندک زمانی از فضلا و مدرسین نامی و برجسته حوزه علمیه قم به شمار می‌آمد. در سن ۴۰ سالگی اجازه اجتهاد خود را از آیت‌الله خوانساری دریافت کرد.

در سال ۱۳۳۵ بنا به دستور مرحوم آیت‌الله بروجردی جهت تبلیغ و نشر معارف و احکام دین و تقویت بنیه دینی و مذهبی اهالی کرمانشاه به انجام اعزام و رحل اقامت افکند و پس از ورود به کرمانشاه طلاب و شاگردان بسیاری را تربیت کرد.

با اوج گیری انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) حرکت‌های وسیعی را در کرمانشاه پایه گذاری کرد. عمده ترین مراسم که تا آن روز سابقه نداشت در واقع جرقه‌ای بود در جهت شعله‌ور شدن یک آتش عظیم در این منطقه، مجلس بزرگداشت شهادت آیت‌الله حاج سید مصطفی خمینی بود که بنا به دعوت و اطلاعیه شهید اشرفی اصفهانی در مسجد آیت‌الله بروجردی منعقد شد. در مجلس سخنرانی‌های پر هیجان و انقلابی مطرح شد و ساواک با وجود بسیج تمام نیرو و قوای خود برای دستگیری و کارشکنی در مراسم موفق نشد و سخنرانان به طور مخفیانه از شهر خارج شدند.

خدمات شهید:

- 1- تاسیس حوزه علمیه امام خمینی در باختران و اداره این حوزه با بیش از ۶۰ نفر طلاب.
 - 2- بازسازی مدرسه مرحوم آیت‌الله بروجردی.
 - 3- توسعه کتابخانه مدرسه مرحوم آیت‌الله بروجردی که قریب دو هزار جلد به کتابهای آن اضافه نمودند.
 - 4- تاسیس حوزه علمیه جهت خواهران، که پس از شهادت ایشان به نام حوزه علمیه شهید محراب نامگذاری شد.
 - 5- ایجاد وحدت کامل بین روحانیت شیعه و سنی که از بزرگترین خدمات آن شهید است که در طول تصدی مسئولیت بعنوان امام جمعه در این رابطه سمینارهای متعددی در شهرهای مختلف بویژه با حضور برادران اهل سنت تشکیل داد که اثرات بسیار مطلوبی داشته است.
 - 6- بازسازی مسجد جامع باختران که از برکت نماز جمعه این مسجد بازسازی کامل شده است.
 - 7- افتتاح شماره حسابهای متعدد به نام مهاجرین جنگی و جبهه جنگ و بازسازی مناطق جنگی و همچنین کمک به سیل زدگان خوزستان و زلزله کرمان و طبس که تمام وجوه این شماره حسابها جمع آوری و برای نجات برادران و خواهران آسیب دیده و برادران رزمنده صرف شده است.
- با آغاز جنگ تحمیلی و بسیج همه جانبه مردم و قوای مسلح برای حضور در جبهه و پشتیبانی جبهه های جنگ، آیت‌الله اشرفی نیز با مهم توصیف کردن مسئله جنگ، در مدت ۲۵ ماه در تمام خطبه‌های نماز جمعه و مصاحبه‌ها و پیام‌های خود به حضور مردم در جبهه ها تأکید می‌ورزید.
- شهید محراب، دائماً با حضور در جبهه‌ها به دیدار رزمندگان می‌شتافت و مقید بود که برای آنان سخنرانی کند. و با یکایک رزمندگان مصافحه می‌کرد و با آنان به گفت‌وگو می‌نشست و می‌فرمود: "وقتی به جبهه می‌روم تا مدتی روحیه ام قوی می‌شود".
- علی رغم کهولت سن مسافت‌های طولانی و راه‌های صعب‌العبور را به عشق دیدار دلاور مردان جبهه توحید، با وسایل نقلیه نظامی در شرایط دشوار می‌پیمود. بارها در جبهه‌های ایلام، قصر شیرین و پادگان ابوذر، گیلان غرب، نوسود، بستان، آبادان، خرمشهر، سومار حضور یافت و با سخنرانی‌های دلنشین، به سپاهان اسلام روحیه بخشید. پس از آزادی قصر شیرین به آن شهر سفر کرد و با خواندن دو رکعت نماز شکر در مسجد این شهر، سپاسگزاری خود را به درگاه خداوند به جای آورد.
- وجود آن روحانی جلیل‌القدر در مناطق عملیاتی سبب دلگرمی رزمندگان و باعث شور و شوق بسیار در آنها می‌گردید. یک بار پس از عزیمت به منطقه جنوب، عازم شهر آزاد شده بستان گردید و زیر بمباران وحشیانه دشمن وارد شهر شد و از آنجا عازم آبادان شد. هنگام

آغاز عملیات فتح‌المبین در دوم فروردین ۱۳۶۱، در قرارگاه حضور یافت و پیشنهاد کرد عملیات به نام حضرت زهرا سلام الله علیها نامگذاری شود.

در دومین سفر خود به خوزستان پس از آزادی خرمشهر، عازم اهواز شد و مردم این شهر نماز شکر را به امامت ایشان به جای آوردند. بعد از ظهر همان روز علیرغم مخالفت فرماندهان، وی و امام جمعه اهواز عازم منطقه خرمشهر شد و پس از ورود به شهر، به مسجد جامع در جمع رزمندگان حضور یافت و فرمود: "امروز یکی از روزهای مهم اسلامی و یوم‌الله است و از جمله آرزوهای من فتح خرمشهر بود که بحمدالله من زنده ماندم و این روز را دیدم".

در شب جمعه هشتم مهر ۱۳۶۱ در منطقه غرب، عملیات مسلم بن عقیل با حضور شهید و تنی چند از مقامات کشوری و لشکری آغاز شد. ایشان در آن شب حال عجیبی داشت و یک لحظه آرام نداشت و تا صبح به دعا و مناجات مشغول بود و لحظه‌ای هم به استراحت نپرداخت. نزدیکی‌های صبح بود که یک گلوله توپ در نزدیکی چادر ایشان منفجر شد.

فرماندهان جهت ترک آن محل اصرار کردند، اما ایشان نپذیرفت و گفت: "من از این محل نمی‌روم و آماده هرگونه مسئله‌ای هستم، زیرا خون من رنگین‌تر و جان من عزیزتر از این عزیزان رزمنده نیست. من باید تا پایان عملیات اینجا باشم." سرانجام شهید محلاتی، عبا و عمامه ایشان را برداشت و بر سر و دوش ایشان گذاشت و عصارا به دستش داده و او را عازم کرمانشاه کرد.

در پشت جبهه هم فعالیت‌های چشمگیری داشت که از جمله آنها افتتاح حسابی در بانک برای جمع‌آوری کمک‌های نقدی به جبهه‌ها بود. حساب دیگری نیز جهت کمک به مهاجران جنگ افتتاح کردند. حساب دیگری نیز جهت بازسازی منطقه گیلان غرب که به استان کرمانشاه محول شده بود، اختصاص دادند.

شهید اشرفی اصفهانی به مسئله وحدت بین شیعه و سنی اهمیتی فوق‌العاده می‌داد و اقدامات ایشان در این زمینه بسیار مؤثر واقع می‌شد.

آیت‌الله اشرفی اصفهانی پس از ۸۰ سال زندگی پرافتخار و خدمت به اسلام و قرآن، توسط یکی از مزدوران آمریکا و منافقین کوردل، ظهر ۲۳ مهرماه ۱۳۶۱ در سنگر نماز جمعه مسجد جامع و در محراب نماز به افتخار شهادت نائل آمد و طومار زندگی پرافتخارش نه تنها بسته نشد، بلکه ورقی دیگر خورد و نامش در صحنه گیتی مانند خورشید برای همیشه می‌درخشد.